

## سخنرانی در دیدار با اعضای جامعه‌ی انجمنهای اسلامی اصناف و بازار و مجامع امور صنفی سراسر کشور - 13 تیر / 1370

بسم الله الرحمن الرحيم

به برادران عزیز اصناف و کسبه و بازاریان، هم‌این‌طور به برادران صنوف تولیدی و بقیه‌ی کسانی که به نحوی در کار دادوستد در بازار و جامعه‌ی اسلامی مشغول خدمتند و این‌جا تشریف دارند، خوش‌آمد می‌گویم و امیدوارم که خدای متعال در انجام وظایف و بارهای سنگینی که بر دوش ماست، لطف و هدایت خود را شامل حال همه‌ی شما و ما بفرماید.

یک نکته در باب کسبه در نظام و کشور اسلامی این است که از دوره‌های گذشته تا امروز، کسبه و اصناف و تجار و کسانی که در کار دادوستد بوده‌اند، اهل عمل به دین و عقیده‌ی دینی و اعتقاد به علمای دین و حضور در کنار آنها بوده‌اند. کسی نمی‌تواند این نکته را انکار کند. از دوران قدیم تا دوران حاضر، کسبه در کشور ما، جزو قشرهای متدین بوده‌اند و هستند. همین تدین و انس با علما موجب شده است که در هر میدانی که علمای دین حضور داشته‌اند - در مبارزات، در موضع‌گیریهای گوناگون سیاسی و یا دینی - حضور اصناف و کسبه و اهل بازار و دادوستد در آن‌جا قطعی باشد. وقتی که علمای اعلام می‌خواستند در دوران مبارزات - چه مبارزات نهضت اخیر، یعنی سالهای دهه‌ی چهل و پنجاه، و چه قبل از آن - یک حضور مردمی قاطع را نشان بدهند، دستور می‌دادند که بازارها تعطیل بشود، و بازاریان و کسبه تعطیل می‌کردند؛ یعنی پشت سر علما می‌ایستادند، و این تأثیر زیادی هم داشت. رژیم‌های جبار هم این را فهمیده بودند؛ لذا به انواع طرق درصد بودند که این لشکر مردمی را، یا با فشار و ارعاب و تهدید، یا با بستن مالیاتهای سنگین استثنایی در دوران ستمشاهی، و یا با تبلیغات، از روحانیون جدا کنند؛ غالباً هم اثری نمی‌کرد.

از اول انقلاب نیز کسبه و اصناف شهری ما، در میدانهای انقلاب - راهپیماییها و جبهه‌ها و کمکهای مالی - حضور خوبی داشتند. پس، ما این قشر را یک قشر اسلامی و انقلابی می‌شماریم. معنای انقلابی هم همین است که در مواضع انقلاب حضور داشته باشند؛ یعنی هر جا که انقلاب از آنها متوقع است، باشند. این، در بسیاری از دوره‌های گذشته و در بخش مهمی از دوران بعد از پیروزی انقلاب، نسبت به جمع کثیری از اصناف کشور وجود داشته است. این نکته را نباید کسی مورد مناقشه قرار بدهد.

بعضی عادت کرده بودند، یا عادت کرده‌اند که نسبت به اصناف و کسبه و بازرگانان، به‌طور مطلق زبان به بدگویی باز کنند؛ این غلط است. بله، بنا بر تفکرات بیگانه‌ی از اسلام - تفکرات مارکسیستی و غیره - اصلاً وجود اصناف و کسبه و بازرگانان، یک وجود زیادی است. آنها اصل این قشر را قبول ندارند، کاری به کار دین و مذهب و اعتقادشان ندارند و خوب و بدشان را هم تفکیک نمی‌کنند. بعضی از تفکرات الحادی رایج در آن زمانهای مبارزات، این قشر را اصلاً قبول نداشت. کسی نباید تحت تأثیر آن حرفها و آن شعارها قرار بگیرد. تا آن‌جا که ما فهمیده‌ایم و دیده‌ایم و لمس کرده‌ایم، در ایران اسلامی، اصناف در خدمت اسلام و انقلاب و مطیع امام بزرگوار بوده‌اند و در همه‌ی میدانهای انقلاب نیز حضور داشته‌اند.

نکته‌ی دیگر این است که خود اصناف باید این موقعیت اسلامی و انقلابی را حفظ کنند و نباید بگذارند که در درون اصناف و واحدهای صنفی، وضعی پیش بیاید که اولاً آنها را از موضع انقلابی جدا کند؛ ثانیاً زبانهایی را که شاید خیرخواه هم نباشند، به روی آنها باز نماید. اصناف باید در خدمت قوانین اسلامی و مطیع قوانین باشند.

من به شما برادران عزیزی که اعضای انجمنهای اسلامی اصناف هستید و ما به این انجمنهای اسلامی اعتقاد داریم و مسئولان شما چهره‌هایی انقلابی و سابقه‌دار و مورد اعتماد امام و مورد اعتماد ما بوده‌اند و هستند، می‌خواهم این مطلب را عرض کنم که در سالهای جنگ و کلاً در سالهای بعد از انقلاب، بعضی از اصناف و کسبه و تجار بسیار بد عمل کردند. کاری کردند که اگر کسی قصد داشت نسبت به کسبه و بازاری، زبان به بدگویی باز بکند، به‌طور وفور و فراوان، بهانه و نمونه در اختیارش بود.

بعضی سوء استفاده‌ها کردند، قوانین را زیر پا گذاشتند و به ثروتهای کلان دست پیدا کردند. در حالی که مردم - قشرهای حقوق‌بگیر، کارگران و کارمندان و نظامیان - به خاطر مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ و محاصره‌ی اقتصادی، فشارهایی را تحمل می‌کردند، آنان در تحمل فشار، خودشان را با این مردم سهیم نکردند؛ بلکه جمعی از آنها حتی این فشار را زیاد کردند! این، مناسب چهره‌ی اسلامی و انقلابی اصناف مسلمان جمهوری اسلامی نیست.

سیاستهای نظام جمهوری اسلامی و دولت خدمتگزار این نیست که از راه کنترل‌های بسیار شدید، مشکلاتی را برای عامه‌ی اصناف به وجود بیاورد؛ ولی این نباید موجب آن بشود که کسانی سوء استفاده کنند. من به شما عرض کنم - و شما هم یقیناً می‌دانید، من هم بی‌خبر نیستم - که بسیاری سوء استفاده کردند.

من يك وقت به جمعی از انجمنهای اسلامی بازار تهران که چند سال قبل از این در دوران ریاست جمهوری پیش من آمده بودند، گفتم که شما باید نگذارید کسانی سوء استفاده کنند؛ شما باید چهره‌ی سوء استفاده‌کن را افشا کنید؛ شما باید شگردهای مخصوصی را که برای فرار از مالیات، فرار از قانون و ارتکاب تخلف و تقلب به کار می‌بندند، برای مأموران دولت و مسئولان کشور افشا کنید. این کار هنوز هم باید بشود.

البته اوضاع کشور از لحاظ اقتصادی، غالباً بر يك روال نیست. مسائل اقتصادی کشور به عوامل گوناگونی بسته است که بسیاری از آن عوامل، خارج از مرزهاست. وضع تورم جهانی، وضع عرضه‌های گوناگون جهانی، وضع پول در دنیا و بسیاری از این‌گونه مسائل، روی اقتصاد يك کشور اثر می‌گذارد. اقتصاد کشور مستقلاً مثل ما که می‌خواهد مستقل زندگی بکند، غالباً با بعضی از نوسانها همراه است. نباید اجازه بدهید که از این نوسانها و از این کم و زیادها، کسانی به نفع جیب شخصی خودشان استفاده کنند، و تا رقم مالیاتی بر صنفی بسته شد، بلافاصله آن مالیات خودش را در زندگی مصرف‌کننده‌ی که به آن صنف مراجعه دارد، نشان بدهد. این درست نیست و بر عدل اسلامی منطبق نمی‌باشد. شما باید اینها را مراقب باشید. انجمنهای اسلامی باید هوشیارانه عمل بکنند.

من به شما عرض کنم که مالیات يك امر الزامی و شرعی است و در جامعه‌ی اسلامی، دولت در صورتی که لازم بداند، برطبق قانون باید از درآمدها مالیات بگیرد. کسانی هستند که با داشتن درآمدهای کلان، از زیر این وظیفه‌ی قانونی شرعی الزامی - که به نفع کشور و برای طبقات کم‌درآمد و در خدمت مصالح اسلامی است - استنکاف می‌کنند. باید راهی پیدا کنید و نگذارید که این‌طور بشود.

اصناف مؤمن، بازرگانان متدین، چهره‌های انقلابی، سابقه‌داران، جوانان، کسانی که جبهه‌ها را دیدید، برای جبهه‌ها پشتیبانی کردید، آن کاروانهای کذایی را راه انداختید، چه قدر زحمت را تحمل کردید، کسانی که در رژیم گذشته آن مبارزات را کردند، آن ایستادگیها را در بازار نشان دادند، کسانی که در همه‌ی حضورهای سیاسی دوران انقلاب خودشان را نشان دادند و دشمن را مأیوس کردند، بایستی در اساسیترین میدانها - یعنی میدان اقتصادی - در خدمت اهداف دولتی و اسلامی و نظام انقلابی - و نه فقط برای سود شخصی - يك حضور فعال داشته باشند و داشته

باشیم.

این درست نیست که کسی خیال کند که بله، من کاسبم، تاجرم و برای سود کار می‌کنم؛ نه، ما انسانهای مؤمن و متدینانی را می‌شناسیم که به خاطر انقلاب، دکان و کسب و کار و خرید و فروش و سود و استفاده را بوسیدند و کنار گذاشتند و به میدان انقلاب آمدند و زندگی خودشان را شب و روز برای انقلاب مصرف کردند. البته ما از همه این‌طور توقعی را نداریم؛ اما از همه توقع انصاف را داریم.

من این وظیفه‌ی نظارت عمومی بر کار اصناف و جلوگیری از تخطیهای گوناگونی را که بعضی از سوءاستفاده‌چینها در اصناف می‌کنند، بر عهده‌ی انجمنهای اسلامی، مخصوصاً رؤسای انجمنها و معتمدان محترم بازار می‌دانم. آنان مورد اعتماد امام بودند و مورد اعتماد ما نیز هستند. ما آنان را از سالهای پیش شناخته‌ایم. آنان بایستی به دولت کمک کنند و مانع سوءاستفاده‌ی کسانی بشوند که به خیال خودشان تا دیدند بازار آشفته‌یی است، فوراً درصد باشند که سوءاستفاده کنند و جیب خودشان را پُر نمایند. مگر مسأله‌ی زندگی اسلامی این است؟ مگر فقط جیب خود پُر کردن مطرح است؟ این، نکته‌ی دوم است که من خواستم شما برادران عزیز انجمنهای اسلامی اصناف و متدینان بازار و برادران صنوف تولیدی - کسانی که در کارهای خیر هستید - به آن توجه داشته باشید. این، یک وظیفه است.

نکته‌ی بعدی این است که نگذارید در جامعه‌ی صنفی و در مجموعه‌ی اصناف کشور، به بهانه‌های مختلف ایجاد شقاق و اختلاف بشود. اصناف همیشه یک مجموعه‌ی یکپارچه بوده‌اند؛ برای خدا باز هم باشید. امروز آن چیزی که دشمن را می‌ترساند، اتحاد ملت ایران است. این خونخواران جهانی، بیشتر از همه چیز از اتحاد شما مردم می‌ترسند. اگر نمی‌توانند با یک ملت روبه‌رو بشوند، بر اثر این نیست که نمی‌خواهند روبه‌رو بشوند؛ نه، از وحدت و شجاعت و ایمان آن ملت می‌ترسند؛ والا استعمار جهانی و استکبار نشان داده‌اند که از جنایت باکی ندارند.

چند سال قبل از این، مثل همین روزها بود که یک ناو امریکایی در خلیج فارس، هواپیمای مسافربری ایران را با قریب سیصد مسافر هدف قرار داد و آن را ساقط کرد و سوزاند و غرق نمود و همه‌ی آنان را از بین برد. بعد هم که اعتراض و جنجال شد و دنیا به حقانیت ملت ایران در این حادثه واقف گردید، عذری خواستند و گفتند که ببخشید، اشتباه کردیم! عجب! اشتباه کردید؟! برخلاف عرف موجود بین همین قدرتمندان امروز جهانی - که خیلی هم به انسانیت و مبانی اخلاق اعتنائی ندارند - هواپیمای مسافربری را که محترم است و کسی اجازه ندارد به هواپیمای مسافربری تعرضی بکند، با قریب سیصد مسافر ساقط می‌کنید و بعد می‌گویید که اشتباه کردیم! غلط کردید اشتباه کردید! اشتباه کردیم یعنی چه؟! اگر فرماندهی آن ناو اشتباه کرده بود، پس چرا او را به محاکمه نکشیدید؟! چرا به او مدال دادید؟! چرا با انواع و اقسام گفته‌ها، به دشمنیهای خودتان با ملت ایران ادامه دادید؟! چه اشتباهی؟! شماها در پیدا کردن هدفهای شوم، هیچ‌وقت اشتباه نمی‌کنید؛ در رسیدن به کار زشت بر ضد ملت‌های مستقل، هیچ‌وقت اشتباه نمی‌کنید؛ درست می‌روید و همان نقطه‌یی که زشت‌ترین و بدترین است، پیدا می‌کنید. امروز استکبار جهانی این است، امروز امریکا این است، اینها از جنایت باکی ندارند.

اگر در جایی اقدام نمی‌کنند، چون برای خودشان مقرون به صرفه نمی‌بینند و از چیزهایی ملاحظه می‌کنند. از عمده‌ترین چیزهایی که ملاحظه می‌کنند، یکپارچگی ملت است؛ این یکپارچگی را مثل گوهر گرانمایه‌یی حفظ کنید. بحمدالله امروز ملت ما مثل همه‌ی دوره‌های بعد از انقلاب، ملت یکپارچه‌یی است؛ همه پشت سر مسؤولان نظام و در خدمت اهداف انقلاب هستند.

بعضیها تلاش می‌کنند که بین مردم اختلاف بیندازند؛ بعضیها هم تلاش می‌کنند که مردم را نسبت به مسؤولان و

نظام بدبین کنند. اینها بدانند که این کار خیانت است و من ادامه‌ی این گونه کارها را تحمل نخواهم کرد. مهلتی برای تنبه داده می‌شود، شاید به خود بیایند؛ والا آن دستی که امروز درصدد باشد که از هر وسیله‌ی و از هر نوع تبلیغات دروغ و کارهای خلافی استفاده کند، برای این که بین مردم اختلاف بیندازد، یا بین مردم و مسؤولان کشور - این خدمتگزارانی که جان و وجودشان در خدمت نظام اسلامی است - و این رئیس جمهور مغتنمی که ما امروز داریم، جدایی بیندازد، مجرم و خیانتکار است. این، کار کوچکی نیست.

شما هم همین‌طور بین خودتان، اصناف را به اختلافات و باندبازی و گروه‌بازی و سیاسیکاری نکشانید. همه باید در خدمت سیاستهای جمهوری اسلامی باشند. همه‌ی اصناف باید اهل سیاست باشند؛ اما نگذارید که این دودستگیهای ناشی از دسته‌بندی سیاسی، در بین اصناف راه پیدا کند. یک جامعه‌ی متحد و متفق و یکپارچه و در خدمت هدفهای اسلامی و نظام اسلامی باشید؛ بخصوص شما انجمنهای اسلامی، نسبت به آن چیزی که در نکته‌ی دوم عرض کردم، مراقب و مواظب باشید. این، یک تکلیف و وظیفه است.

مسؤولان محترم شما، چهره‌های موجهی هستند. من برخی از این آقایان را سالهای متمادی است که در میدانهای جنگ و در زندانها و در زیر شکنجه و فشارها شناخته‌ام و همه‌ی ما آنها را تجربه کرده‌ایم. آنها مورد توجه و قبول امام بودند. این چهره‌های موجه، بایستی مردم را راهنمایی کنند. اعضای انجمنهای اسلامی، در زمینه‌ی کار اصناف، این نظارت را برای خودشان در هر جای کشور قایل باشند. برای جلوگیری از تخلفات درون اصناف، شما باید در خدمت نظام باشید.

خداوند ان شاءالله به همه‌ی شما و ما توفیق بدهد و هدایت‌مان کند، تا بتوانیم راه خدا را درست بشناسیم و آن را بپیماییم. خداوند وجود مقدس ولی عصر ( ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) را از ما راضی بفرماید و ما را مشمول دعوات آن بزرگوار قرار بدهد و روح مقدس امام را از ما شاد کند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته